

## مصیبت عظیم چیست و چه نقشی در زنده نگه داشتن عاشورا دارد؟

### نقش مصیبت عظیم در زنده نگه داشتن یاد عاشورا

همه ما به‌طور طبیعی از دیدن صحنه‌های دل‌خراش، انسان‌های مصیبت‌زده، کشته شدن مظلومانه کودکان و ظلم به افراد بی‌گناه غمگین و آزرده می‌شویم و به شکل‌های مختلف ناراحتی خود را ابراز می‌کنیم؛ این ابراز ناراحتی از مراحل پایین‌تر مثل اندوه قلبی و اظهار زبانی شروع می‌شود و در مراحل بالاتر به گریه کردن، ضجه زدن و حتی عزاداری‌های گروهی منجر می‌شود. طبیعتاً هرچه فاجعه شدیدتر باشد، میزان انس و نزدیکی ما با فرد مصیبت‌زده بیشتر باشد، یا آن فرد از مقام و منزلت بالاتری برخوردار باشد، غم و اندوه ما عمق بیشتری پیدا می‌کند؛ البته این موضوع به پاکی دل و صفای باطن آدم‌ها نیز بستگی دارد.

در ماجرای کربلا و جریان حرکت امام حسین (علیه‌السلام) با دو مصیبت روبه‌رو هستیم: «مصیبت عظیم» و «مصیبت اعظم». بخش تراژیک و غم‌انگیز واقعه عاشورا به مصیبت عظیم مربوط می‌شود. مصیبتی که قلب هر انسان آزاده‌ای را ولو مسلمان هم نباشد، به درد می‌آورد و او را به واکنش‌های احساسی و عاطفی مثل گریه کردن، بر سر و سینه کوبیدن و نوحه‌سرایی وادار می‌کند؛ بخش غم‌انگیزتر اما، «مصیبت اعظم» است.

درک مصیبت عظیم به معرفت بالایی احتیاج ندارد؛ اندکی عاطفه و رقت قلب کافی است تا هر انسانی برای حوادثی که در کربلا اتفاق افتاده است، از سویدای دل اشک بریزد و عزاداری کند. اما برای درک مصیبت اعظم معرفت بالایی لازم است، و کسی که به درک آن نائل شود و برای برطرف کردنش تلاش کند، به بالاترین مقام عزاداری یعنی «عزاداری حقیقی» می‌رسد. امام حسین (علیه‌السلام) نیز مصیبت اول را با تمام تلخی‌ها و رنج‌هایش به جان خریدند تا جلوی مصیبت دوم را بگیرند.

در این مقاله به معرفی مصیبت عظیم و نقش آن در زنده نگه داشتن قیام عاشورا می‌پردازیم؛ سپس در مقاله بعد ابعاد مختلف مصیبت اعظم را شرح می‌دهیم و وظایف خود را در قبال آن بیان می‌کنیم.

## مصیبت عظیم چیست و چرا امام با وجود علم و آگاهی به سوی آن حرکت کردند؟

در متن [زیارت عاشورا](#) از حادثه‌ای که در کربلا برای امام حسین (علیه‌السلام) خانواده و اصحاب‌شان اتفاق افتاد، با عنوان مصیبت عظیم یاد می‌شود.<sup>۱</sup> مصیبتی که هم جگر مسلمانان واقعی و انسان‌های آزاده تاریخ را سوزاند، هم عرش خدا را تکان داد و اهالی آسمان را به زاری و عزاداری وادار کرد؛ منظور از این مصیبت همان رنج‌ها و بی‌حرمتی‌هایی است که در روز عاشورا و پس از آن بر اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تحمیل شد؛ مصائبی هم‌چون کشته شدن، تشنگی، اسارت، توهین و جسارت به بانوان، بریدن گلوی طفل شش ماهه، اسب دواندن بر روی اجساد، کتک زدن اطفال و..

عده‌ای می‌پرسند: آیا امام حسین (علیه‌السلام) از حوادث تلخ پیش‌رو اطلاع داشتند؟ اگر پاسخ مثبت است چرا قیام کردند؟

در جواب سؤال اول باید بگوییم بله؛ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مناسبت‌های مختلف مانند تولد امام حسین، مصائب آن حضرت را به یاد می‌آوردند و برای دیگران نیز نقل می‌کردند؛ در نتیجه هم خود ایشان و هم امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) از حوادث پیش‌رو مطلع بودند. این موضوع نه‌تنها در مورد امام حسین بلکه در مورد سایر افراد هم، اتفاق افتاده بود؛ اصولاً خبر دادن از آینده شیوه‌ای بود که گاهی پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) به وسیله آن ایمان افراد را تقویت و کمک می‌کردند که نسل‌های آینده بهتر بتوانند حق و باطل را از هم تشخیص دهند؛ اما در مورد سؤال دوم و علت قیام امام حسین (علیه‌السلام) علی‌رغم آگاهی از وقایع عاشورا لازم است به دو نکته مهم توجه کنیم:

- نکته اول مربوط به دعوت مردم از امام است؛ بنابر نقل‌های معتبر تاریخی هجده هزار نفر از مردم کوفه با نماینده امام، مسلم‌بن عقیل (علیه‌السلام) بیعت کرده و آمادگی خود را برای حمایت و پشتیبانی از امام اعلام کردند.<sup>۲</sup> در نتیجه از نظر ظاهری حجت بر امام تمام شد و ایشان شرعاً موظف بودند نسبت به حرکت مردم واکنش نشان دهند.

(عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ السَّمَوَاتِ)<sup>۱</sup>

شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸<sup>۲</sup>

- نکته دوم به فلسفه وجودی امام برمی‌گردد؛ وظیفه امام هدایت مردم و نجات آن‌ها از جهالت و نادانی است، ولو انجام این وظیفه به بهای جان امام تمام شود. در واقع امام حسین (علیه‌السلام) مصیبت عظیم را به جان خریدند تا مصیبت اعظم که همان انحراف جامعه از مسیر دین‌داری و دوری مردم از متخصص معصوم است، اتفاق نیفتد.

### مصیبت عظیم و نقش آن در برطرف کردن مصیبت اعظم

آنچه در کربلا اتفاق افتاد یک جنگ معمولی نبود، زیرا هیچ‌کدام از اصول و قواعد جنگی در آن رعایت نشده بود؛ چه اصولی که در اسلام برای جنگ مقرر شده و چه قوانینی که اعراب در جنگ‌ها به آن‌ها پایبند بودند. نبرد تن به تن، عدم تعرض به زنان و کودکان، مثله نکردن جسد و بسیاری از قواعد پذیرفته شده جنگی، در واقعه کربلا و توسط سپاه عمر سعد نقض شد. آن‌ها با ادعای مسلمانی نسبت به اهل بیت پیامبر خویش اعمالی را مرتکب شدند، که حتی در جنگ با کفار نیز مجاز به انجام آن‌ها نبودند؛ لذا واقعه کربلا نه یک جنگ؛ بلکه یک جنایت تمام عیار بود. ابعاد گسترده این مصیبت هولناک داغی را بر دل‌های شیعیان نهاد، که گذشت قرن‌ها هم نتوانست حرارت آن را کاهش دهد.

اما این مصیبت علاوه بر چهره تلخ و گزنده‌اش یک چهره مطلوب و سازنده نیز دارد و آن بیداری انسان‌هاست؛ به همین دلیل اهل بیت (علیهم‌السلام) و بزرگان دین همواره بر زنده نگه داشتن یاد عاشورا و برگزاری مجالس ذکر مصیبت و عزاداری برای امام حسین (علیه‌السلام) تأکید کرده و ثواب‌های فراوانی برای آن برشمرده‌اند. عزاداری بهترین راه برای توجه به باطن قیام عاشورا است و هر انسان روشن‌ضمیر و آزاداندیشی را به تأمل و تفکر درباره اهداف و ارزش‌هایی وامی‌دارد که امام (علیه‌السلام) جان خود و عزیزانشان را برای حفظ آن‌ها فدا کردند.

هیچ حادثه‌ای در طول تاریخ به اندازه واقعه عاشورا ماندگار نشده و نسل‌های مختلف بشر را تحت تأثیر قرار نداده؛ بسیاری از قیام‌ها بر علیه ظلم و استبداد چه در کشورهای مسلمان و چه غیرمسلمان با الهام از این واقعه صورت گرفته و انسان‌های

برجسته بی‌شماری زیر این پرچم تربیت شده‌اند. تمام این سازندگی‌ها به قدرت مصیبت عظیم برمی‌گردد؛ در واقع امام (علیه‌السلام) مصیبت عظیم را به جان خریدند، تا توجه ما و همه مردم دنیا را به مصیبت اعظم جلب کنند.

اما مصیبت اعظم چیست و چه ارتباطی با شرایط کنونی جامعه ما دارد؟ ثارالله به چه معناست و چرا معتقدیم انتقام امام (علیه‌السلام) هنوز گرفته نشده؟ آیا سبک زندگی امروز ما تناسبی با اهداف و دغدغه‌های امام دارد یا از آن فرسنگ‌ها دور است؟ این‌ها مهم‌ترین سؤالاتی است که در مقاله بعد به پاسخ آن‌ها می‌پردازیم.

شما هم می‌توانید پیش از خواندن مقاله بعدی نظر خود را در مورد مصیبتی که از فجایع عاشورا هم بزرگتر است برایمان بنویسید.